[پاسدار اسلام](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/89)، [اسفند 1379 و فروردین 1380، شماره 231 و 232](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/89/3434/0)

**شیوه های تبلیغی امام علی (ع(**

**حجة الاسلام عنایت الله شریفی**

|  |
| --- |
| **دور نمایی از زندگی**  حضرت علی (ع) در روز جمعه سیزدهم ماه رجب و سی سال پس از عام الفیل از بانویی به نام فاطمه بنت اسد در کعبه زاده شد . پدر او ابوطالب، بزرگ بطحا - مکه - و رئیس بنی هاشم بود، 30 سال از ولادت حضرت محمد (ص) گذشته بود که امیرالمؤمنین علی (ع) پا به عرصه گیتی نهاد و از آغاز زندگی از لطف و مهربانی پیامبر (ص) بهره مند شد .  طهارت نفسانی امام (ع) و پرورش او در دامان رسول خدا (ص) سبب شد تا از دوران کودکی با دیده نافذ و گوش شنوای خود چیزهایی را ببیند و صداهایی را بشنود که برای مردم عادی غیر ممکن بود (1) آن حضرت بعد از بعثت رسول خدا (ص) ده ساله بود که ایمان آورد و افتخار سبقت در پذیرش اسلام را به خود اختصاص داد .  پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) 23 سال در کنار پیامبر (ص) و بازوی پرتوان او بود و با تمام وجود به دفاع از آرمان و اهداف عالی پیامبر پرداخت و در سخت ترین لحظات با ایثار و از خودگذشتگی به یاری پیامبر (ص) شتافت که از این طریق به افتخارهایی نائل آمد و حوادثی همانند:  1 - ماجرای یوم الانذار 2 - داستان لیلة المبیت 3 - ماموریت ابلاغ آیات برائت 4 - فتح قلعه های خیبر 5 - واقعه غدیر 6 - همسری تنها دخت پیامبر و . . . را به خود اختصاص داد .  پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) صداقت، پاکی و امتیازهایی همانند سبقت در پذیرش اسلام و وصی و وزیر و برادر پیامبر بودن، حدیث منزلت و ثقلین و غدیر و . . . به فراموشی سپرده شد و نیرنگ و فریب، کتمان حقایق، تحریف و زور چهره گشود و آل رسول مجبور به سکوت و کناره گیری شدند .  **عوامل کناره گیری امیرالمؤمنین (ع) از حکومت:**  1 - ضرورت حفظ اسلام و عزت مسلمین و وحدت امت اسلام جهت مقابله با دشمنان داخلی و خارجی .  2 - جلوگیری از ایجاد زمینه انحراف و ارتداد افراد زیادی که تازه مسلمان بودند .  3 - حاکمیت جو تحریف، زور، اختناق و فشار .  4 - بی نتیجه ماندن رهنمودهای آن حضرت برای دعوت مردم به سوی حق .  5 - برخوردار نبودن از امکانات و قدرت کافی برای باز پس گیری خلافت .  6 - خو گرفتن بسیاری از مردم با وضعیت موجود و بیعت بزرگان قبائل با خلیفه اول .  **مهمترین فعالیت های امام (ع) در دوران خلفا**  1 - عبادت خدا .  2 - تفسیر قرآن و حل مشکلات آیات و تربیت شاگردان همانند ابن عباس .  3 - پاسخ به پرسش های دانشمندان دیگر ادیان از جمله یهودیان و مسیحیان که پس از فوت پیامبر (ص) برای تحقیق درباره اسلام رهسپار مدینه می شدند .  4 - بیان حکم بسیاری از مسائل جدید که در مورد آنها نصی از پیامبر اکرم (ص) و قرآن نرسیده بود .  5 - کار و کوشش برای تامین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان، تا آنجا که امام با دست خود، باغ احداث می کرد، قنات حفر می نمود و آن را در راه خدا وقف می کرد .  6 - هرگاه دستگاه خلافت در مسائلی با بن بست روبرو می شد . برای حل آن از علی مدد می گرفت . (2)  **شیوه های تبلیغی امام علی (ع)**  **1 - حکمت:**  به کارگیری حکمت در امر هدایت وتبلیغ، یکی از شیوه های ارزشمندی است که امام علی (ع) در کنار «موعظه » و «مجادله » براساس فرموده قرآن کریم: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن » (3) مورد توجه قرار داده است .  حکمت در لغت به معنای منع است . (4)  در میان مفسران درباره حقیقت حکمت دو دیدگاه اصولی وجود دارد:  مشهور مفسران بر این عقیده اند که حکمت به معنای حجت، برهان، استدلال و سخن استوار است و ناظر به محتوا است یعنی سخنی که براساس دلیل، برهان و مبانی منطقی و معقول باشد . (5)  برخی دیگر همانند سید قطب، حکمت را به معنای شیوه تبلیغ می دانند و بر این باورند که مبلغ باید در راه تبلیغ، راه حکمت را پیماید و هر چیزی را بر جای خود گذارد و با مقتضای حال عمل کند . (6)  آنچه به نظر می رسد، بین این دو دیدگاه منافاتی وجود ندارد و جمع بین آن دو ممکن است . بدینصورت که حکمت اختصاص به هر یک از آن دو ندارد و شامل حکمت در محتوا و برهان و حکمت در شیوه تبلیغ و رعایت حال مخاطبین و مقتضای حال است . بدین ترتیب می بینیم که آن امام همام در شیوه تبلیغی خود این روش حکیمانه را به کار برده است زیرا که:  در بسیاری از بحث های نهج البلاغه، درباره اثبات توحید به براهین فلسفی استدلال می کند; مثلا، درباره نظام آفرینش براساس برهان می فرماید:  «و کل قائم فی سواه معلول; (7) هر موجودی غیر از خدا، معلول است [خداوند علت است]» .  و یا درباره وحدت خداوند می فرماید:  «الاحد لابتاویل عدد; (8) خداوند احداست و وحدت او احدی است نه عددی »  این اندیشه لطیف که وحدت حق، وحدت عددی نیست در کلمات قدماء از حکماء اسلامی از قبیل فارابی و بوعلی سینا و . . . دیده نمی شود . حکماء متاخر این اندیشه به اصطلاح «وحدت حقه حقیقیه » را وارد فلسفه خود کردند . (9)  گاهی با براهین و استدلال های ساده تر و قابل فهم برای همگان به اثبات وجود خدای تعالی می پردازد .  همچنان که درباره تحولات درونی و نفسانی می فرماید:  «عرفت الله بفسخ العزائم و حل العقود» . (10)  از طرف دیگر در شیوه تبلیغی خود، در بسیاری از موارد، رعایت حال مخاطبین را نموده است و براساس اصل مخاطب شناسی عمل کرده است که بهترین نمونه آن، سیره عملی مظلومانه آن حضرت است چون در زمان حکومت خویش می بینند که افکار عمومی بر اثر تبلیغات مسموم، زمینه پذیرش او را ندارد به خاطر حفظ اسلام و زحمات رسول خدا (ص) آنان را در جهل خود رها ساخته تا به برکت باقی ماندن اساس اسلام این منکرات برطرف شود .  امیرالمؤمنین (ع) خود در سخنی دردمندانه و سوزناک می فرماید:  «قد عملت الولاة قبلی اعمالا خالفوا فیها رسول الله (ص) متعمدین خلافه ناقضین لعهده مغیرین لسنته ولو حملت الناس علی ترکها . . . لتفرق عنی جندی حتی ابقی وحدی او قلیل من شیعتی; والیان قبل از من اعمالی را مرتکب شدند، عمدا بر خلاف شیوه رسول خدا (ص) رفتار کردند، پیمان او را شکستند و سنتش را دگرگون کردند . اگر مردم را به ترک این اعمال مجبور کنم . . . لشگرم پراکنده می شوند تا آن که خود تنها بمانم یا با گروه اندکی از شیعیانم .»  سپس حضرت لیستی از بدعت هایی همانند تغییر مقام ابراهیم (ع) از جایگاه اصلی خود، غصب فدک فاطمه زهرا (س)، ازدواج های غلط و . . . را برشمرد و فرمود:  «اگر این امور را به مسیر اصلی خود برگردانم همه از اطرافم پراکنده می شوند . به خدا سوگند به مردم فرمان دادم در ماه رمضان نمازی جز نماز واجب را به جماعت نخوانند و به آنان گفتم که نماز مستحبی را به جماعت گزاردن بدعت است، برخی از لشکریانم که در کنار من می جنگیدند، فریاد کشیدند: ای اهل اسلام، سنت عمر تغییر پیدا کرد، ما را از نماز خواندن در ماه رمضان باز می دارند، و می ترسیدم که در گوشه لشکرم علیه من بشورند و قیام کنند . . . .» (11)  **2 - موعظه**  عمده ترین شیوه تبلیغی امیرالمؤمنین (ع) شیوه موعظه ای است .  وعظ در لغت به معنای بازداشتن و منع کردنی است که مقرون به بیم از عواقب کار باشد . (12) و در مجمع البحرین آمده است:  «موعظه عبارت است از سفارش به تقوا و ترغیب به طاعت ها و پرهیز از گناهان و برحذر داشتن از اینکه کسی فریب دنیاخورده و دل به زر و زیور آن بندد .» (13)  برخی از مفسران بر این عقیده اند که موعظه همان خطابه است که اهل منطق در کنار برهان و جدل قرار داده اند . (14)  به نظر می رسد که موعظه با خطابه متفاوت است . کار خطابه با احساسات است و غیرت، حمیت، حمایت، سلحشوری، عصبیت، برتری طلبی، عزت طلبی، مردانگی، شرافت، کرامت، نیکوکاری و خدمت را به جوش می آورد و در جایی به کار می رود که احساسات خمود و راکد است، ولی موعظه کارش رام ساختن و تحت تسلط درآوردن احساسات است و جوشش ها و هیجان های بیجا را خاموش می کند و طوفان ها را فرو می نشاند ودر جایی به کار می رود که شهوات و احساسات خودسرانه عمل می کند . (15)  با بررسی نهج البلاغه و سیره تبلیغی امام (ع) به این نتیجه می رسیم که هر یک از آن دو را در جای خود و با رعایت مقتضای حال به کار برده است . خطابه های امیرالمؤمنین (ع) در موقعی ایراد شده است که باید احساسات برافروخته شود و طوفانی ایجاد کند و بنیاد ظلمی برکنده شود همچنانکه در صفین در آغاز برخورد با معاویه چنین کرد . (16)  از آنجا که علی (ع) مرد سخن بود و سخنانش حد وسط کلام مخلوق و خالق بود (17) با بیان شگفت خود بارها با مردم سخن گفت و اندکی از این سخنان در نهج البلاغه جمع آوری شده است و انواع خطبه های سیاسی، حماسی، اقتصادی، موعظه ای اخلاقی و . . . در آن یافت می شود که معروفترین آنها عبارتند از:  1 - خطبه شقشقیه که در آن به تحلیل سیاسی حوادث ناگوار پس از رحلت رسول خدا (ص) می پردازد و از غصب خلافت و دوره های گوناگون آن سخن می گوید: .  2 - خطبه قاصعه که در آن به دستورات اخلاقی و اهمیت واجبات الهی و پرداخت حقوق مالی و عبرت گرفتن از دنیا می پردازد .  3 - خطبه همام - متقین - که در آن «اوصاف پارسایان » را برمی شمارد .  ولی شیوه موعظه ای امام (ع) که عمده ترین شیوه تبلیغی آن حضرت است در شرایط دیگری انجام یافته است و بیشتر مواعظ آن حضرت در زمانی است که حکومت را در دست گرفته است و مردم بر اثر فتوحات پی در پی خلفا و غنایم بی حساب به سوی فساد اخلاقی، دنیاگرایی، تجمل پرستی و عصبیت های قبیله ای گرایش پیدا کرده اند . (18)  و در اینجا راهی جز موعظه ندارد و باید به فریاد کسانی که در دریای غفلت غوطه ورند و موج حیرانی وجود آنان را فراگرفته است، رسیده و از این مهلکه خطرناک نجات بخشد و به سوی خیر و سعادت هدایتشان نماید .  بدین ترتیب از مجموع خطبه ها و نامه های جمع آوری شده در نهج البلاغه، 86 خطبه از 239 خطبه و 31 نامه از 79 نامه، یا تماما موعظه است و یا لااقل مشتمل بر یک سلسله موعظه است . (19)  علاوه بر این، آن حضرت هر روز و شب کلاس درس داشت که در آن به تبیین معارف الهی و موعظه می پرداخت .  امام باقر (ع) می فرماید:  «کان علی (ع) اذا صلی الفجر لم یزل معقبا الی ان تطلع الشمس فاذا اطلعت، اجمع الیه الفقراء والمساکین و غیرهم من الناس فیعلمهم الفقه والقرآن و کان له وقت یقوم فیه من مجلسه ذلک; همواره امیرالمؤمنین (ع) چون نماز صبح می گزارد به تعقیب نماز مشغول می شد تا آفتاب برمی آمد و چون آفتاب طلوع می کرد فقراء و مساکین و سایر مردم به گردش جمع می شدند و او آنان را فقه و قرآن می آموخت و وقت منظمی داشت که از این مجلس برمی خاست .» (20)  و نیز آن حضرت می فرماید: امیرالمؤمنین (ع) در کوفه هر شب چون نماز عشاء می گزارد، مردم را سه بار با صدای بلند که همه اهل مسجد می شنیدند مخاطب قرار داده می فرمود:  «ایها الناس تجهزوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل; ای مردم آماده شوید - خدای رحمتتان کند - زیرا بانگ کوچ رفتن را در میان شما داده اند . . .»  آنگاه مطالب بسیاری در زمینه جهان و آخرت را بیان می فرمود و آنان را موعظه می کرد . (21)  **3 - مجادله**  یکی دیگر از شیوه های تبلیغی علی (ع) مجادله است .  مجادله در لغت به معنای پیچاندن طناب است و سپس به پیچاندن طرف مقابل و گفتگو برای غلبه به کار رفته است . (22)  مجادله بر سه قسم است: 1 - مجادله احسن 2 - مجادله حسن 3 - مجادله غیر حسن (بد) . (23)  از آنجا که شیوه تبلیغی آن حضرت واقع نگری و حقیقت گرایی است از مجادله به غیر حسن - بد - پرهیز نموده و در موارد فراوانی روش مجادله به احسن و یا مجادله حسن را به کار برده است و طبرسی در کتاب الاحتجاج خویش نمونه های زیادی از این گونه موارد را بیان کرده است که از مجادلات مهم آن حضرت در شورای تعیین خلیفه پس از درگذشت عمربن خطاب است:  عمر در آخرین فرصت های خویش شورایی مرکب از شش نفر، از جمله امیرالمؤمنین (ع) را مامور تعیین خلیفه پس از خود ساخت، پس از مرگ عمر، این شش نفر جمع شدند تا درباره خلیفه مسلمانان تصمیم گیری کنند .  امیرالمؤمنین (ع) برخاست و فرمود: سخنم را بشنوید، اگر حق بود بپذیرید و اگر باطل بود انکار کنید . سپس فضائل و ویژگیهای خود را بیان کرد و در هر قسمتی از سخنانش مخاطبان را سوگند می داد و از آنان پاسخ می طلبید . آنان نیز سخن حضرت را تایید می کردند از جمله سوگندهای آن حضرت:  «شما را به خدا سوگند می دهم آیا غیر از من کسی از شما هست که به دو قبله نماز گزارده باشد و در دو بیعت فتح و رضوان شرکت جسته باشد و همسرش سرور زنان جهانیان و دو فرزندش سرور جوانان اهل بهشت باشند؟  همگی پاسخ دادند: نه، کسی غیر از تو نیست .  فرمود: شما را به خدا سوگند آیا غیر از من کسی از شما هست که خداوند پلیدی را از او برطرف کرده و او را پاک گردانیده باشد، یک پاکیزگی ویژه؟  گفتند: نه . سپس آن حضرت حوادث جنگ احد، خیبر، خندق، حدیث منزلت و . . . را بیان کرد و همگان را سوگند داد، آنان نیز سخن آن حضرت را تصدیق کردند .  آنگاه فرمود: شما علیه خودتان اعتراف کردید و سخن پیامبرتان برایتان روشن شد . شما را به پروای از خداوندی که همتایی ندارد توصیه می کنم و از خشم او باز می دارم . فرمان خدای را مخالفت نکنید و حق را به اهلش برگردانید و به آنان که خلافت حق ایشان است تحویل دهید . شورا به شور نشست، در آن جمع گفتند: ما فضیلت او (علی علیه السلام) را می دانیم و سزاوار بودن او بدین مقام را می پذیریم، ولی او کسی است که هیچ کس را برتر از دیگری نمی داند و اگر به خلافت رسد میان اهل شورا و دیگران به تساوی خواهد نگریست . بنابراین عثمان را انتخاب کنید که رای او همانند رای شما خواهد بود . (24)  **4 - حقیقت گرایی و واقع نگری**  سیاست اسلام و قرآن در تبلیغ، براساس حقیقت گرایی و واقع نگری استوار است و تبلیغی را که براساس دروغ، ریا، سازش کاری، نیرنگ، به کارگیری ترفندها و سوژه های گمراه کننده باشد منع نموده است .  اتخاذ چنین سیاستی، سرلوحه کار امام علی بن ابی طالب (ع) و سایر رهبران الهی بوده است، آنها به جز حق، تکلم نمی کردند و با حسن عمل، اخلاق و رفتار به هدایت دیگران می پرداختند و اسوه حسنه در تبلیغ و دعوت بودند . امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:  «والله ما معاویة بادهی منی ولکنه یغدر و یفجر و لولا کراهیة الغدر لکنت من ادهی الناس ولکن کل غدرة فجرة و کل فجر کفرة و لکل غادر لواء یعرف به یوم القیامة . . . ; به خدا قسم، معاویه از من زیرک تر نیست، لکن او با نیرنگ و گناه و بی پروایی عمل می کند و اگر نبود نفرت از حیله و نیرنگ، من زیرک ترین مردم بودم ولی هر مکر و نیرنگی گناه است و هر گناه کفر است و برای هر نیرنگ باز پرچمی است که در روز قیامت بدان معرفی می گردد .» (25)  تعهد آن حضرت تا آنجا بود که یارانش را از کاربرد واژه ها و کلمات زشت برحذر می داشت، حتی نسبت به معاویه و یارانش که از هر تهمت ناروا و خلاف شرع باک نداشتند .  در نهج البلاغه آمده است:  هنگامی که امام (ع) شنید جمعی از اصحابش همانند حجر بن عدی و عمروبن حمق، در جریان جنگ صفین به سپاه شام فحش می دهند، فرمود: «انی اکره لکم ان تکونوا سبابین ولکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتم حالهم کان اصوب فی القول; من خوش ندارم که دشنام دهنده باشید، اما اگر به توصیف اعمال آنها می پرداختید و جنایات و کارهای ناشایست آنها را برای مردم برمی شمردید، به سخن راست نزدیکتر بود .» (26)  **5 - مخاطب شناسی**  مخاطب شناسی یکی از ارکان اساسی تبلیغ است، زیرا اگر مخاطبی نباشد که پیام را دریافت کند، تبلیغ و پیام رسانی معنی نخواهد داشت . (27)  هر مبلغی باید بداند مخاطب کیست؟ فرد است یا گروه؟ گروه های سنی، جنسی و اعتقادی مخاطبین چه کسانی هستند؟ شرایط اجتماعی و افکار عمومی محیط مخاطبین چگونه است و . . . . (28)  در سیره تبلیغی امیرمؤمنین (ع) موارد فراوانی دیده می شود که اصل مخاطب شناسی و مقتضای حال مخاطبین را رعایت کرده است . بهترین نمونه آن، برخوردهای گوناگونی است که امام (ع) با مردم داشت . در بسیاری از موارد می بینیم که با مردم برخورد پرمحبت و صمیمی داشت و مؤمنان را از تندخویی برحذر می داشت و گاهی هم با دوستان گنهکار از هرگونه ترحم و احساسات عاطفی خودداری کرده است و با آنان برخورد بسیار شدید داشته است همانند اینکه امام صادق (ع) می فرماید: گروهی نزد امیرالمؤمنین (ع) رسیدند و گفتند: «السلام علیک یا ربنا; سلام بر تو ای پروردگار ما» آن حضرت از آنان خواست که از این عقیده و گفتار خود توبه کنند ولی نصیحت امام (ع) در آنان اثر نکردو آنان توبه نکردند سپس فرمان داد دو گودال در کنار هم حفر کردند و آنها را به وسیله گودالی به هم وصل کردند . آن گاه این گروه را در یکی از گودال ها قرار داد و در دیگری آتشی برافروخت تا بر اثر دود ناشی از آتش مردند . (29)  و گاهی نیز بخاطر مصلحت با دوستان مدارا می کرد . امام صادق (ع) می فرماید: چون امیرالمؤمنین (ع) به کوفه آمد به امام حسن (ع) فرمان داد تا در میان مردم فریاد زند که در ماه رمضان نباید در مساجد نماز جماعت (مستحبی) برپا شود . امام حسن (ع) این دستور را اجرا کرد . مردم چون سخن امام حسن (ع) را شنیدند فریاد زدند: واعمراه، امام (ع) فرمود: به آنها بگو نماز بگزارند . (30)  و گاهی نیز با دشمنان لجوج برخورد خشن داشت . به عنوان نمونه، مغیرة بن شعبه می گوید: به امیرالمؤمنین (ع) توصیه کردم که کارگزاران عثمان را در جای خویش تثبیت کند تا امور استحکام یابد . حضرت فرمود: ساعتی امثال آنان را بر مردم امیر نمی کنم . مغیره گفت: ابتدا تثبیت کن و چون از مردم بیعت گرفتید عزلشان کن . حضرت فرمود: در کار نیرنگ نمی کنم . سپس مغیره می گوید به امام گفتم: دست کم معاویه را تثبیت کن . امام (ع) فرمود: دو روز هم او را بر مردم امیر نمی کنم . (31)  **6 - کاربرد اصول روانشناسی**  یکی از مؤثرترین ابزارهای تبلیغ و عوامل موفقیت آن در جذب مخاطب، روانشناسی تبلیغ است .  گرچه اصول روانشناسی در تبلیغ به صورت کلاسیک از ابتکار علوم معاصر است ولی سیره رهبران الهی و ائمه اطهار (ع) نشان می دهد که آنان همواره در شیوه تبلیغی خود به اصول روانشناسی فردی و اجتماعی توجه کامل داشته اند و در سیره تبلیغی امیرالمؤمنین (ع) موارد فراوانی دیده می شود که این اصول را از جمله: تحریک عواطف و احساسات، تنبیه و تشویق، تکرار، تحقیر دشمنان و تکریم دوستان و . . . را به کار برده است .  بهترین نمونه آن، زمانی است که لشکرش با لشکر معاویه در صفین به یکدیگر می رسند و لشکر معاویه پیشدستی می کنند شریعه (محل ورود آب) را گرفته و آنان را از برداشتن آب مانع گشتند و امام (ع) می خواست که این مشکل را از طریق مذاکره تمام کند و معاویه این عمل را برای خود موفقیتی به حساب می آورد و از هرگونه مذاکره خودداری می کرد . در اینجا بود که در برابر لشکرش قرار گرفته و چنین خطابه ای ایراد کرد:  «قد استطعموکم القتال فاقروا علی مذلة و تاخیر محلة، اورووا السیوف من الدماء ترووا من الماء فالموت فی حیاتکم مقهورین، والحیاة فی موتکم قاهرین، الا و ان معاویة قادلمة من الغواة و عمس علیهم الخبر حتی جعلوا نحورهم اغراض المنیة; همانا دشمن گرسنه جنگ است و از شما نبرد می طلبد، اکنون دو راه در پیش دارید یا تن به ذلت و پستی و عقب ماندگی دادن یا تیغ ها را با خون خود سیراب کردن و سپس سیراب شدن . مرگ این است که زنده باشید اما مقهور و مغلوب، زندگی آن است که بمیرید، اما غالب و پیروز . همانا معاویه گروهی ناچیز از گمراهان را به دنبال خود کشانده و حقیقت را بر آنها پنهان داشته است تا آنجا که گلوی خویش را هدف تیرهای شما که مرگ را همراه دارد قرار داده اند .» (32)  با بیان این چند جمله حماسی احساسات آنان را تحریک و تهییج می کند، خون ها را به جوش و غیرت ها را به خروش می آورد . لشکر خود بخود حرکت می کند و یاران معاویه را به عقب می رانند و شریعه را در اختیار می گیرند .  **7 - تبلیغ عملی**  یکی دیگر از شیوه های تبلیغی امام علی (ع) تبلیغ با عمل می باشد و موارد اثرگذاری اخلاق و رفتار آن امام همام بر مخالفان و جذب آنان بسیار بوده است و داستان های فراوانی دارد از جمله:  امام صادق (ع) از پدرانشان نقل می کند که مردی ذمی (اهل کتاب) با امیرالمؤمنین (ع) همسفر شد .  ذمی گفت: قصد کجا دارید؟  حضرت فرمود: قصد کوفه دارم .  همین که به دو راهی رسیدند و مرد ذمی از علی (ع) جدا شد، امیرالمؤمنین (ع) او را همراهی نمود .  ذمی گفت: مگر شما عازم کوفه نبودید؟  فرمود: چرا .  ذمی گفت: پس چرا راه خود را ترک کردید؟  فرمود: توجه دارم .  ذمی گفت: پس چرا به راه خود نرفتید و مرا همراهی کردید؟  فرمود: اتمام حق مصاحبت این است که انسان رفیق خود را هنگامی که از او جدا می شود همراهی کند و پیامبر ما چنین توصیه فرمود .  ذمی گفت: چنین دستور داده؟  فرمود: آری .  ذمی گفت: معلوم می شود کسانی که او را پیروی کرده اند به دلیل رفتار خجسته او بوده است . از این رو من به حقانیت دین تو شهادت می دهم .  ذمی، علی (ع) را همراهی کرد و چون وی را شناخت اسلام اختیار نمود . (33)  **8 - معرفی الگوها**  یکی از شیوه های مهم تبلیغ، معرفی الگوهاست که در این شیوه مبلغ می تواند واقعیت را عینیت بخشد .  در شیوه تبلیغی امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه کافی است به خطبه 159 از خطب آن حضرت در نهج البلاغه مراجعه شود که در این  خطبه رسول خدا (ص)، حضرت موسی، عیسی و داود - علیهم السلام - را به عنوان الگو معرفی می کند و فرازهایی از فضائل اخلاقی آنان را بیان می نماید:  «و لقد کان فی رسول الله (ص) کاف لک فی الاسوة و دلیل لک علی ذم الدنیا و عیبها و کثرة مخازیها و مساویها، اذ قبضت عنه اطرافها و وطئت لغیره اکنافها و فطم عن رضاعها و ذری عن زخارفها و ان شئت ثنیت بموسی کلیم الله - صلی الله علیه - یث یقول : (رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر) والله ما ساله الا خبزا یاکله و ان شئت ثلثت بداود - صلی الله علیه - صاحب المزامیر و قاری ء اهل الجنة فلقد کان یعمل سفائف الخوض بیده و ان شئت قلت فی عیسی بن مریم (ع) فلقد کان یتوسد الحجر و یلبس الخشن و یاکل الجشیب; و پیروی کردن از (رفتار) رسول خدا (ص) برای تو کافی است و بر مذمت دنیا و معیوب بودن و بسیاری رسوایی ها و بدی های آن، تو را وکیل و راهنما باشد، زیرا اطراف آن (وابستگی و دوستداری) از آن حضرت گرفته شده و جوانب آن (دلبستگی به همه چیز آن) برای غیر آن بزرگوار آماده گشته و از نوشیدن شیرش (لذت های آن) منع شده اند و از آرایش های آن دور گردیده شده و اگر بخواهی دوباره پیروی نمایی پیامبری را; از موسی (ع) که خدا با او سخن گفته پیروی کن، آنگاه که می گفت: «پروردگارا من به آنچه از خیر و نیکویی برایم بفرستی نیازمندم .» به خدا سوگند موسی از خدا نخواسته بود مگر نانی را که بخورد . و اگر بخواهی بار سوم پیروی کنی از داود (ع) که دارای مزامیر و زیور بود و خواننده اهل بهشت می باشد که با دست خود از لیف خرما زنبیل ها می بافت . . . و اگر خواهی پیروی از عیسی بن مریم (ع) را . بگو که [هنگام خوابیدن] سنگ را زیر سر گذاشته بالش قرار می داد و جامه زبر می پوشید و طعام خشن می خورد .» (34)  **9 - روش بی اعتنایی**  از روش های تبلیغی که در برخی از موارد باید به کار گرفته شود، بی اعتنایی به لجوجان و جاهلان است . مبلغ، گاه با کسانی برخورد می کند که نیکی، تواضع و مهربانی او را لجوج تر می کند و بر گستاخی اش می افزاید .  چنین شیوه ای اثر روانی خاص دارد . در شیوه تبلیغی امیرالمؤمنین (ع) در موارد بسیاری دیده می شود که چنین برخوردی با افراد جاهل و لجوج داشته است از جمله:  مردی به نام «زرین » می گوید: در شهر کوفه در محل وضو گرفتن مشغول وضو بودم، مردی را مشاهده کردم که کفش های خود را درآورد شلاق خویش را بالای کفش هایش گذاشت، سپس نزدیکتر آمد و شروع به وضو گرفتن کرد . من به او فشار آوردم تا اینکه بر اثر فشار من روی دست هایش افتاد . پس برخاست و وضویش را کامل کرد . آن گاه سه بار با شلاق به سر من کوبید و فرمود: بپرهیز از اینکه دیگران را با فشار دادن کنار بزنی، عضوی از آنان را بشکنی و مجبور شوی غرامت آن را بپردازی . از مردم سؤال کردم این مرد کیست؟ گفتند: امیرالمؤمنین (ع) بود . من به سوی حضرت رفتم تا عذرخواهی کنم ولی آن حضرت توجهی نکرد . (35)  **10 - روش دفع بدی ها به خوبی ها**  یکی از روش های مفید تبلیغ، برای ایجاد تحول و دگرگونی پاسخ بدی به نیکی است . این شیوه، یکی از روش های عملی اولیاء دین بوده است و نمونه های فراوانی از آن در شیوه تبلیغی امیرالمؤمنین (ع) دیده می شود . مانند اینکه در روایتی آمده است که امام (ع) با گروهی نشسته بود . زن زیبایی از کنار آنان گذشت چشم های مردان لحظاتی زن را دنبال کرد، امیرالمؤمنین (ع) با توجه به آمادگی زمینه گناه و تحریک شهوت، شیوه خودنگهداری در برابر این غریزه قدرتمند را به آنان آموخت و آنان را به راه صحیح و معقول اطفای شهوت امر کرد .  مردی از خوارج که این روش بسیار ظریف و عمیق آن حضرت را مشاهده کرد شگفت زده گفت:  خدای بکشدش چه دانش عمیقی!! همراهان امام (ع) از بی ادبی این مرد به خشم و خروش آمده، قصد کشتن مرد را کردند . امیرالمؤمنین (ع) فرمود: آرام، بدگویی در مقابل بدگویی یا عفو از گناه . (36)  پی نوشت ها:  1 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه قاصعه .  2 . پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، ص 72 - 71 با تلخیص .  3 . نحل، 125، «با حکمت - استدلال و پند نیکو مردم را به سوی پروردگارت بخوان و با آنان به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن » .  4 . طبرسی، مجمع البیان، ج 6 - 5، ذیل آیه 125 سوره نحل .  5 . طباطبایی، محمد حسین، ج 12، ص 37 .  6 . سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ج 5، (چاپ بیروت)، ص 292 .  7 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 228 .  8 . همان، خطبه 152 .  9 . مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص 50 .  10 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت 242 .  11 . الکافی، ج 8، ص 59 .  12 . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 564 .  13 . طریحی، مجمع البحرین، ج 6، ص 292 .  14 . طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج 12، ذیل تفسیر آیه 125، سوره نحل .  15 . مطهری ، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص 127 .  16 . همان .  17 . همان، ص 18 .  18 . مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص 128 .  19 . همان، ص 129 .  20 . طبرسی، مشکاة الانوار، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1411، ه . ص . 30 .  21 . همان .  22 . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 87 .  23 . طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج 12، ذیل آیه 125 سوره نحل .  24 . طبرسی ، الاحتجاج، ج 1، ص 230 .  25 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 191 .  26 . همان، خطبه 197 .  27 . رهبر، محمد تقی، پژوهش در تبلیغ، ص 168 .  28 . مجلسی، بحارالانوار، ج 40، ص 301 - 300 .  29 . یکی از بدعت هایی که پس از رسول خدا (ص) گذاشته شد خواندن نمازهای مستحبی به جماعت بود در حالی که رسول اکرم (ص) خود از آن نهی کرده بود . خلیفه دوم آن را رسم کرد و بدعتی نیکو نامید .  30 . وسایل الشیعه، ج 5، ص 192 .  31 . عبدالفتاح، عبدالمقصود، امام علی (ع)، ج 2، ص 377 .  32 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 51 .  33 . حیات صحابه، ج 1، ص 228 به نقل از کتاب پژوهشی در تبلیغ، رهبر، محمد تقی، ص 387 - 386 .  34 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 159 .  35 . وسایل الشیعه، ج 3، ص 515 .  36 . مجلسی، بحارالانوار، ج 41، ص 49 . |